

SID



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه‌های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم‌های
آموزشی

سامانه ویراستاری (ویرایش متون فارسی، انگلیسی، عربی)

کارگاه‌ها و فیلم‌های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



دوره مقدماتی گوگل ادز

دوره مقدماتی گوگل ادز



جذب پروژه از طریق لینکدین

جذب پروژه از طریق لینکدین



آموزش نرم‌افزار پاورپوینت (مقدمانی)

آموزش نرم‌افزار پاورپوینت



آموزش طراحی بسته بندی

آموزش طراحی بسته بندی

(سیر منزلت انسان در ادبیات فارسی، از رودکی تا مولوی)

سودابه بخشایی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

sodabebakhshae@yahoo.com

چکیده

انسان شناسی یکی از مهمترین دانش های زیربنایی در علوم انسانی است که ادبیات فارسی به عنوان شاخه ای از این علوم نقش بسیار مؤثری در این حوزه برعهده دارد. انسان و منزلت او همیشه مورد توجه شاعران و نویسندگان فارسی بوده و آثار برجای مانده از آنها سرشار از نمونه های بارزی است که نشان دهنده ی ارزش و اهمیت مفاهیم انسانی است. هر گوشه ای از این ادبیات غنی، طرحی از انسان تعالی یافته، مطابق با الگوهای ذهنی دوران خود ارائه می دهد. این پژوهش که به شیوه ی مطالعات کتابخانه ای تهیه و تدوین شده است، به توصیف و تحلیل ویژگیهای انسان آرمانی و انسان کامل در متون کلاسیک فارسی (تا قرن هفتم) پرداخته است. بر اساس نتایج به دست آمده، ادبیات ما تبیین کننده ی مفاهیم انسان آرمانی و انسان کامل است؛ شاعران و عارفان ایرانی از دیرباز به تبعیت از دین اسلام، سعی کرده اند ضمن شناخت برترین انسان، ویژگی های والا و برجسته ی این الگوی آرمانی و تکامل یافته را برای تأثر، بهره مندی و موفقیت دیگران بازگو نمایند. منزلت و مرتبت انسان در ادبیات فارسی سیر تکاملی دارد و در ادبیات عرفانی به ویژه در شعر مولانا به غایت مقام و علو درجات روحانی نائل آمده است.

واژگان کلیدی: انسان شناسی، انسان آرمانی، انسان کامل، ادبیات فارسی.

Manner of human's altitude in Persian (from Rodaki till Molavi)

Sudabeh Bakhshae

phD students of Persian literature and language from Shiraz university
Sudabebakhshae@yahoo.com

Abstract

Anthropological is one of the most important fundamental knowledge in humanism which Persian literature is one of the significant field in this sciences. Human and his altitude had always showed the valance and significance of human .Each part of this rich literature is presented a design of transcend human, related to moral sample of his age. This research is produced by some library studies and also describes idealistic human in classic Persian writing (till seven century). Related to some conclusions ,our literature determines idealistic human's features ,Iranian poets and gnostics tried to retell the grand features of these completed idealistic samples .Altitude and rank of human in Persian literature has an evelutional way and was acceded to a dignity in mystic literature specially in Mollana poem.

Keywords: *anthropological , idealistic human, completed human , Persian literature*

کنفرانس بین‌المللی شرق‌شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
«միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

مقدمه

انسان‌شناسی و مباحث مربوط به آن، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین معارف بشری است که در دنیای بزرگ علوم انسانی دارای نقش و اهمیت بسیاری است. به عبارت دیگر انسان‌شناسی به عنوان محور مشترک رشته‌های علوم انسانی عمل می‌کند. «بدون شک تصویر ارائه شده از انسان در انسان‌شناسی ارتباط مستقیم با موجودیت علوم انسانی دارد؛ چرا که هیچ علم انسانی بدون شناخت انسان به وجود نمی‌آید. در واقع انسان‌شناسی از جهت تأمین اصل موضوعی برای علوم انسانی مانند: حکمت، کلام، ادبیات، هنر، اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی، روانشناسی و... دارای اهمیت است.» (خسروپناه و میرزایی، ۱۳۸۹: ۴۵) این موضوع در شرق، به ویژه در ایران، متأثر از عواملی چون دین و مذهب، فلسفه، عرفان، فرهنگ و اوضاع اجتماعی، شکل گرفته است. بحث درباب شناخت انسان، حقیقت انسانی و مقام و منزلت او در هستی از گذشته‌های بسیار دور تا کنون مورد مذاکره و مطالعه‌ی فلاسفه، حکما، عارفان، شاعران و... بوده است و تأثیرات آن در نوع نگرش انسان به خویش، به خدا و جهان پیرامونش، همچنین به زندگی و اعمال انسان بدیهی و انکارناپذیر است؛ از طرفی پرداختن به انسان‌شناسی مبتنی بر تعالیم اسلامی، اساسی‌ترین وظیفه‌ی هر انسان مسلمان، آگاه و هوشمند است؛ چرا که رسالت انسانی انسان زمانی آغاز می‌شود که شناختی کامل و واقعی از خویشتن بیابد.

در این گستره، ادبیات فارسی همچون اقیانوس بی‌کرانی است که سرشار از نمونه‌ها، ارزشها، مفاهیم والای انسانی است. هر گوشه‌ای از این ادبیات غنی، طرحی از انسان تعالی یافته، مطابق با الگوهای ذهنی دوران خود ارائه می‌دهد و از امکان تعالی انسان، در یک نظام ارزشی پذیرفته شده سخن به میان می‌آورد. شعر و ادبیات تجلی‌گاه هویت ساز در میان فرهنگها و ملت‌های مختلف است که «ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد، و بر ارزشها، هنجارها، اعتقادات، ساختهای طبقاتی، تعلیم و تعلّم شیوه‌های درست زندگی و به طور کلی شیوه‌های نگرش در جهان تأثیر به‌سزایی دارد.» (حلبی، ۱۳۷۴: ۱۳۰)

در بررسی اجمالی ادبیات فارسی ملاحظه می‌شود که خمیرمایه‌ی اصلی انواع ادبی، توجه به حقایق و ارزشهایی است که از فطرت پاک انسانی سرچشمه گرفته‌اند و این مهم، رمز بقاء و جاودانگی آثار برجسته‌ی شاعرانی چون فردوسی، سنایی، نظامی، سعدی، عطار، مولوی و... است؛ ایشان هر یک با نگرشی متفاوت به انسان، ارزشهای والای او را متذکر شده‌اند، همچنین پیام «خودشناسی به خداشناسی» را در عبارات نغز و شیوا، به گونه‌ای تحسین برانگیز بیان نموده‌اند تا زلالیها را راهی اندیشه‌ها سازند و انسان را در راه صعود به قله‌ی قاف کمال رهنمون باشند.

لذا این مقاله با رویکردی انسان‌شناسانه و تعمق در آثار بزرگان و پیشکسوتان ادبیات فارسی (از رودکی تا مولوی)، در تلاش است تا معیارهای رسیدن به کمال حقیقی و سعادت جاودانی انسان را جستجو نماید.

مسأله‌ی پژوهش

مهمترین مسائلی که در پژوهش حاضر بدان پرداخته می‌شود عبارتند از:

محورهای اصلی انسان‌شناسی در ادبیات فارسی کدامند؟

ادبیات فارسی تا چه اندازه برای اصلاح و تکوین هویت انسان و تکامل معنوی وی مؤثر بوده است؟

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
«միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

پیش از ورود مفاهیم عرفانی به ادبیات فارسی، چهره و تندیس انسانهای برتر و الگوهای نمونه، چگونه به تصویر کشیده شده است؟ سیر مقام و منزلت معنوی انسان در ادبیات فارسی (تا قرن هفتم) چگونه تحول یافته است؟ این مقاله در تلاش است برای هر یک از پرسشهای مطرح شده، پاسخی مناسب و در خور مجال بیابد.

پیشینه ی پژوهش

عده ای از محققان، انسان شناسی را براساس نوع روش و ابزار بررسی، به انواع مختلفی تقسیم کرده اند، از قبیل: انسان شناسی تجربی، فلسفی، دینی، عرفانی، که هر یک به زیرمجموعه هایی نیز تقسیم می شوند. (ر.ک. خسروپناه و میرزایی، ۱۳۸۹: ۴۰) در باره ی هر یک از این موضوعات کتب متعددی به چاپ رسیده است؛ برخی از مهمترین آنها عبارتند از: بهشتی، احمد (۱۳۶۱). انسان در قرآن، قم: کانون نشر طریق القدس؛ در این کتاب، نویسنده پانزده عنوان فرعی پیرامون انسان در کتاب آسمانی مورد تحقیق قرار داده است.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). انسان در اسلام، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء؛ بخش اول این کتاب، به موضوع کمال انسانی از دیدگاه اسلام پرداخته و بخش دوم نیز به ذکر مطالبی پیرامون معرفت انسان و تبیین معاد و نتایج کمال اختصاص یافته است. نصری، عبدالله (۱۳۶۱). مبانی انسان شناسی در قرآن، تهران: بنیاد انتقال به تعلیم و تربیت اسلامی؛ این کتاب با ذکر آراء و نظریه هایی در زمینه انسان شناسی آغاز می شود و در ادامه، مؤلف با طرح سؤالی به بیان اهمیت و ضرورت شناخت انسان می پردازد.

واعظی، احمد (۱۳۷۷). انسان از دیدگاه اسلام، تهران: سمت؛ در این کتاب نویسنده سعی دارد روش خود را انسان شناسی دینی قرار دهد و در این زمینه تکیه ی اصلی بر متون دینی می باشد.

حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۷). انسان در عرف عرفان، چ ۲، تهران: سروش؛ این کتاب نگاهی است از دریچه ی حکمت متعالیه به ابعاد قدسی وجود انسان. مؤلف کوشیده است تا با ذکر وقایع عرفانی و مکاشفات سبحانی، قابلیت های شگفت انگیزی از استعداد های قدسی بشر را معرفی نماید و آن گاه با تمسک به قواعد و براهینی از حکمت، آن ها را مبرهن و متقن سازد.

رجبی، محمود (۱۳۷۹). انسان شناسی، ویرایش حسین دهنوی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ اهمّ موضوعات مورد بحث این کتاب عبارتند از: تعریف، اهمیت و ضرورت انسان شناسی، نقد اومانیسیم، خلقت انسان، سرشت و فطرت و تبدیل ناپذیری او، جایگاه انسان در نظام آفرینش، بحث آزادی و اختیار، کمال لایق و نهایی نوع انسانی، و رابطه دنیا و آخرت.

و انواع کتب و مقالات مرتبط دیگری که درج فهرست همه ی آنها در این زمینه، پژوهش مستقلاً خواهد بود.

درباره ی انسان آرمانی و انسان کامل نیز پژوهشهایی صورت گرفته است؛ از جمله:

انسان کامل اثر ارزشمند متفکر شهید استاد مرتضی مطهری (۱۳۷۳). چاپ یازدهم، تهران: انتشارات صدرا؛ این کتاب حاصل سخنرانی های استاد مطهری تحت عنوان انسان کامل، در ماه مبارک رمضان ۱۳۵۳ می باشد. استاد این مجموعه را به «انسان کامل از دیدگاه قرآن» و «لزوم هماهنگی در رشد ارزش های انسانی»، «وجود درد خداجویی در انسان» «شرح مکاتب مختلف و بیان نظرات هر یک درباره ی انسان» اختصاص داده است.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
«միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

مطهری خواه، ذبیح (۱۳۷۷). انسان کامل در عرفان و نهج البلاغه، قم: دار النشر اسلام؛ کتاب درباره ی انسان کامل، راههای رسیدن به کمال، تفاوت کامل ها، ابزار کمال در عرفان، وجود و اوصاف انسان کامل در نهج البلاغه و... تدوین شده است. رزمجو، حسین (۱۳۶۸). انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی فارسی، تهران: امیر کبیر اعوانی، غلامرضا و دادبه، اصغر و بادنج، حسن؛ انسان کامل به روایت ابن عربی، مجله اندیشه دینی، بهار ۱۳۸۹، شماره ۳۴، ۱۳۵ - ۱۶۰.

نصیری، محمد؛ انسان کامل در عرفان اسلامی، مجله اندیشه نوین دینی، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۱، ۶۷ - ۹۲. ملک اف، علاءالدین؛ انسان کامل به روایت ابن عربی، مجله هفت آسمان، بهار ۱۳۹۱، شماره ۵۳، ۵ - ۲۸. رمضان، مرضیه؛ کرامت انسان و انسان کامل در عرفان، مجله: آینه پژوهش، بهمن و اسفند ۱۳۸۵، شماره ۱۰۲، ۵۵ - ۶۷. بالینکه پژوهشهای قابل توجهی پیرامون انسان در قرآن، نهج البلاغه و آثار عرفانی صورت گرفته است، با این حال نقش ادبیات فارسی در انسان شناسی و تأثیر آن در تکوین هویت انسان، موضوعی است که در انبوه پژوهشهای انسانشناسی و به طور کلی علوم انسانی کم رنگ جلوه می کند؛ بر این اساس و با توجه به گسترش دامنه ی موضوع، نگارنده سعی دارد در این مقاله با رعایت اختصار به تبیین اندیشه های بزرگان و پیشکسوتان ادبیات فارسی درباره ی انسان و جایگاه او در آفرینش بپردازد و مراتب سیر مقام و منزلت او را تا رسیدن به کمال حقیقی مورد بررسی قرار دهد.

روش پژوهش

این پژوهش که به شیوه ی مطالعات کتابخانه ای و فیش برداری گردآوری شده است، ابتدا مروری دارد بر تعاریف کلی از انسان و ابعاد وجودی او در قرآن کریم، انسان آرمانی و انسان کامل. سپس با استخراج و استناد به عبارات و اشعار نویسندگان، شاعران و عارفان فارسی، به تبیین اندیشه های آنها در باب هویت و کرامت انسان آرمانی و انسان کامل پرداخته شده است. همچنین سیر مقام و منزلت انسان از فرش خاکی تا عرش افلاکی در ادبیات نیز مورد کنکاش قرار گرفته است. البته ذکر همه ی عقائد و آراء شاعران و عارفان در این زمینه مجال و مقالی مستوفی می خواهد، بنابراین آنچه در این گفتار کوتاه خواهد آمده است، عصاره و خلاصه ای از نظریات بزرگان ادب و عرفان است که چهره ی زیبای «انسان کامل» را به تصویر کشیده اند.

تعریف انسان

انسان یکی از پیچیده ترین و پر رمز و رازترین آفریده ها در هستی است که در طول تاریخ توجه بسیاری از دانشمندان و فلاسفه را به خود جلب نموده و با آن همه کوشش فراوان در شناخت و معرفت وی، از درک و دریافت این اعجوبه باز مانده اند و هر چند در پی ارائه ی تعاریف و ویژگی هایی برای معرفی انسان و تمایز او از سایر موجودات بوده اند، هیچ یک تعریف کامل که شایسته و بایسته ی هویت و سرشت او باشد به دست نداده اند؛ ارسطو انسان را «حیوانی ناطق»؛ داروین انسان را «حیوانی تکامل یافته» می داند، دکارت وی را «موجودی باخلاق و آگاه» معرفی می کند؛ ارنست کاسیرر، فیلسوف آلمانی، بر این نظر است که «انسان تنها موجود خلق کننده ی نمادهاست» و معتقد بود که انسان با انتخاب های نمادین برای تبیین جهان و خودش توانست جایگاه

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
«միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

ویژه‌ای برای خود ایجاد کند او در پاسخ به این سؤال که «انسان چیست؟» تنها می‌گوید: «حیوان نمادین». مارکس گفته است انسان یعنی «کار» و تعاریفی از این قبیل. فیلسوفان مسلمان (ابن سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا) بیش از هر چیز بر «نفس» تکیه کرده و آن را به عنوان جوهر واحدی که حقیقت انسان را تشکیل داده و منشأ اعمال و افعال مختلف در انسان است در نظر می‌گیرند. (رفیع فر، ۱۳۸۳: ۷-۸)

انسان از منظر قرآن

از موضوعاتی که در قرآن کریم به صورت گسترده، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، آفرینش انسان و حقیقت وجودی اوست. انسان در قرآن با ابعاد گوناگونی معرفی شده است؛ وی در ساختار وجودی خود، ترکیب واحدی از قوای گوناگون است، و یگانه مخلوقی است که از دو مایه ی متفاوت وجودی، هستی یافته است؛ از سویی، به رنگ طبیعی عالم خاک و خاموش و بی جان است: «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِن طِينٍ» (سجده: ۷) «... إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ...» (ص: ۷۱) «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِن سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ» (مؤمنون: ۱۳) «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِن صَلْصَالٍ مِّن حَمَءٍ مَّسْنُونٍ» (حجر: ۲۶) و از سویی دیگر، روحی بالنده، حیات بخش و متعالی: «... فَأَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِن رُّوحِي...» (ص: ۷۲) «... ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.» (مؤمنون: ۱۴)، «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِن رُّوحِي فَفَعَلُوا لَهُ سَاجِدِينَ.» (حجر: ۲۹)؛ «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِن أَمْرِ رَبِّي.» (اسراء: ۸۵)؛ قرآن از طرفی، جهت تعالی انسان را بیان می‌کند؛ همچون: خلیفه ی خدا در روی زمین (بقره: ۲۹)، معلم فرشتگان (همان: آیه ۳۱)، قدرتمند و مسلط بر خشکیها و دریاها (اسراء: ۷۰)، متعلم از جانب خدا (علق: ۵)، در حالی که او را به بهترین وجه (تین: ۴) آفریده است و... و از این راه به ابعاد مثبت و قوت آفرینش او اشاره می‌نماید. بنابراین، خلقت او برای دست یابی به منزلت خلافت خداست: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» و مظهر این خلافت همیشگی در تعلیم اسمای الهی نهفته که آن نیز بدون استعداد جامع و توانایی های گوناگون او محقق نمی‌شود: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا.» (بقره: ۳۱)

در آیات دیگری از قرآن به ابعاد منفی انسان که همگی لازمه ی زندگی مادی و دوری او از حیات معنوی است اشاره می‌کند؛ به عنوان مثال قرآن او را با صفاتی همچون «ظلوم»، «کفار» (ابراهیم: ۳۴)؛ «کفور» (هود: ۹)؛ «مجادل» (کهف: ۵۴)، «عجول»، (اسراء: ۱۱) «جهول» (احزاب: ۷۳) «ضعیف» ۱۷ (نساء: ۸) و... معرفی می‌کند. قرآن به بُعد تیرگی انسان و امکان انحطاط و سقوط او نیز اشاره فرموده است: «ثم رددناه اسفل سافلين» (۳۰)؛ «سپس او را به مرتبه ی پست ترین و نازلترین، برگردانیم.»

از منظر قرآن، انسان وجودی دو ساحتی و نظام‌واره ایست منقسم بر جسم آفریده شده از آب و گل، و گوهری به نام روح، که در حقیقت انسانیت نیز انسان قائم به روح اوست.

انسان آرمانی و انسان کامل

آرمان‌گرایی، میل به رهایی از تنگنای مرز واقعیتها و جهش به سوی افق گسترده و بی‌انتهای حقیقت و نیل به کمال است. بشر ذاتاً کمال جوی آفریده شده و در کنه ذات و در سازمان وجودی او، نیروها و استعدادهایی بالقوه تعبیه است که باید در سایه ی

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

تربیت و تعلیم صحیح به مرحله ی فعلیت رسد و ببالد و رشد کند تا مددکارش در ادامه ی حیات مادی و معنوی شود. در کلیه ی ادیان بزرگ و مکتبهای فلسفی و فکری جهان، در شرق و غرب به الگوهای از انسان آرمانی برمی خوریم که تاکنون مورد ستایش و قبله ی امید ملل و نحل واقع شده اند. در جوامع اولیه و ملت‌های باستانی که چشم انداز تاریخ اجتماعی و فرهنگی گذشته ی آنان با اساطیر آغاز می شود، انسان آرمانی یا خدا گونه، مظهری از قدرتهای فوق طبیعی است که با گذشت زمان در سیمای قهرمانان حماسه های ملی، نظیر پهلوانان موجود در آثاری چون، ایلیاد هومر، شاهنامه ی فردوسی و... متجلی می شود و با عملیات خارق العاده و فوق انسانی، آرزوهای عملی نشده ی قبیله، قوم و یا ملت خویش را در فضای داستانهای حماسی تحقق می بخشد؛ این انسان به تدریج در مسیر تاریخ تحولات فکری و عقیدتی جوامع با تصاویری متفاوت جلوه گر می شود و این بدان جهت است که آدمیان از لحاظ جهان بینی، پای بندیهای اعتقادی و اخلاقی، محیط جغرافیایی، نژاد و دیگر خصوصیات اجتماعی و تربیت، فرقهایی دارند و نتیجه ی کمال مطلوب و زندگانی ایده آل، همچنین انسان آرمانی یا کسی که آرزوهایشان را در وجود او محقق می انگارند، متفاوت و گاه متباین و متضاد می باشد. (رزمجو، ۱۳۶۱: ۱۲۳-۱۲۵)

ظهور مفهوم «انسان کامل» با پیدایش عرفان اسلامی هم زمان است، ظاهراً ابن عربی نخستین کسی است که در عرفان اسلامی اصطلاح «الإنسان الكامل» را وضع نموده است و آن را در آثار ارزنده ی خود از جمله در اولین فص از کتاب فصوص الحکم به کار برده است. البته پیش از ابن عربی، عارف نامدار، حسین منصور حلاج از انسانی سخن گفت که جمیع مراتب کمال را پیموده، مظهر کامل صفات الهی شده و به مقام و مرتبه ی «انا الحق» نائل گشته است و چنان که معلوم است، او خود را چنین انسانی شناساند و در این راه، مردانه به شهادت رسید. پس از وی، بایزید بسطامی (۲۶۱ هـ) اصطلاح «الکامل التام» را برای این چنین انسانی به کار برد. اما چنان که اشاره شد، ظاهراً واضع اصطلاح «الإنسان الكامل» ابن عربی است. پس از وی، گویا عزیزالدین نسفی اولین نویسنده ای است که در جهان اسلام نام «الانسان الكامل» را بر مجموعه ی رسالات بیست و دوگانه اش، که به زبان پارسی در عرفان اسلامی نوشته، نهاده است. بعد از نسفی، شیخ عبدالکریم جیلی عنوان «الانسان الكامل» را برای کتاب ارزنده اش، که به زبان تازی در عرفان اسلامی نوشته، برگزیده است.

انسان کامل از دیدگاه ابن عربی

ابن عربی «الانسان الكامل» را که گاهی با عنوان «الانسان الحقیقی» اسم می برد، «نایب الحق» در روی زمین و «معلم الملک» در آسمان می خواند و کامل ترین صورتی می داند که آفریده شده است، و موجودی اکمل از آن به وجود نیامده است. یگانه مخلوقی است که با مشاهده به عبادت حق می پردازد و صورت کامل حضرت حق و آینه ی جامع صفات الهی است. مرتبه اش از حد امکان برتر و از مقام خلق بالاتر است... (اعوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۵) ابن عربی «تعریف ارسطویی از انسان را نمی پذیرد. از نظر وی انسان، جامع حقایق عالم و حقایق حق است و لذا در تعریف انسان باید گفت: موجودی است که دارای دو صورت است: صورت عالم و صورت حق.» (شجاری، ۱۳۸۳: ۷۵).

عارف بزرگ قیصری در شرح بر فصوص الحکم می نویسد: نفس انسان مظهر اسم جامع الهی است لذا به گونه ای خلق شده که برزخ بین صفات الهی از سویی و اوصاف عالم وجود از طرف دیگر است... بنابراین گوهر انسان از یک سو دارای چهره ی

کنفرانس بین‌المللی شرق‌شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
«միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

روحانی محض و معنای صرف و مقدس که از زمان و مکان برهنه و از تغییر و حدوث عاری است، و از سوی دیگر انسان جسمانی که به مکان و زمان محتاج، و با زمان و مکان متغیر است، می‌باشد، پس در هویت انسانی عالم علوی و روحانی با عالم سفلی و جسمانی جمع گردید و بدین جهت خلیفه الهی شد. (شانظری، ۱۳۸۲: ۱۵۵)

«انسان کامل و انسان کامل آزاد» از منظر عزیزالدین نسفی

گویی اولین اثر مدون در باره ی انسان کامل را عزیزالدین نسفی ارائه داده است. با این حال تعدد تعاریف و نظریات گوناگون و گاه ناقص یکدیگر در آثار وی مانع از آن می‌شود که بتوان به تعریفی واحد از انسان کامل دست یافت. با بررسی هر یک از تعاریف، مشخص می‌شود که در مجموع، آثار نسفی حاوی انواع مختلفی از مراتب انسان کامل هستند. از دیدگاه نسفی انسان کامل، عارفی ربانی است که «در شریعت و طریقت و حقیقت تمام باشد و او را چهار چیز به کمال باشد: اقوال نیک و افعال نیک و اخلاق نیک و معارف. این انسان کامل را اسامی بسیار است به اضافات و اعتبارات به اسامی مختلفه. او را شیخ و پیشوا و هادی و مهدی گویند و دانا و بالغ و کامل و مکمل گویند و امام و خلیفه و قطب و صاحب-الزمان گویند و جام جهان‌نما و آیینه ی گیتی نمای و تریاق بزرگ و اکسیراعظم گویند، و عیسی گویند که مرده زنده کند، و خضر گویند که آب حیات خورده است، و سلیمان گویند که زبان مرغان داند، و این انسان کامل همیشه در عالم باشد و زیادت از یکی نباشد، از جهت آنکه تمامت موجودات همچون یک شخص است و انسان کامل، دل آن شخص است و موجودات بی‌دل نتوانند بود. پس انسان کامل همیشه در عالم باشد و دل زیادت از یکی نبود. و در عالم دانایان بسیاری باشند، اما آنکه دل عالم است، یکی بیش نبود، دیگران در مراتب باشند، هر یک در مرتبه‌ای» (نسفی، ۱۳۸۸: ۷۴-۷۵) از منظر نسفی مردم همانند آیینه‌هایی هستند که جلوه‌های خداوند را در خود نمایان می‌کنند. اما مرآت کامل در این میان تنها انسان کامل بوده و تنها اوست که می‌تواند تمامی جمال صاحب‌جمال را در خود انعکاس دهد (همان: ۱۶۰) و در مرتبه‌ای فراتر از آن، «انسان کامل آزاد»، کسی است که «او را هشت چیز به کمال باشد، اقوال نیک، افعال نیک، اخلاق نیک و معارف حرّ. یعنی ترک، عزلت، قناعت و خمول» (همان: ۷۷)

سیمای انسان در شعر رودکی و فرخی سیستانی

در نخستین دوره های شعر فارسی، برون‌گرایی و طبیعت‌گرایی از مهمترین شاخصه های شعر است؛ زیبایی، و لطافت، خشم و قدرت طبیعت، ذهن شاعر را به خود معطوف داشته و روی سخن شاعر با طبیعت است. دید شاعر بیش تر در سطح اشیاء جریان دارد و در ورای پرده ی طبیعت و عناصر مادی هستی، چیزی نفسانی و عاطفی کمتر می‌جوید بلکه مانند نقاشی دقیق که بیشترین کوشش او صرف ترسیم دقیق موضوع نقاشی خود شود، شاعر نیز در این دوره همت خود را مصروف همین نسخه برداری از طبیعت و عناصر دنیای بیرون می‌کند و کم تر می‌توان حالتی عاطفی یا تأملی ذهنی را در ورای توصیف های گویندگان این دوره جست و جو کرد. در هیچ دوره ای شعر فارسی این اندازه از جنبه ی نفسانی انسانی و خاطر آدمی به دور نبوده است و مسأله ی آفاقی بودن شعر فارسی در این دوره، بیشتر به این دلیل است که در این دوره از نظر موضوعی بیشترین سهم از آن شعرهای درباری و مدحی است و یا حماسه ها و در هر دو نوع، «من» شاعر مجال تجلّی نمی‌یابد تا شعر را به زمینه های انفسی و درونی

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

بکشاند. گذشته از وصف هایی که از طبیعت می کنند، یعنی در حوزه ی بسیاری از معانی تجریدی و یا تصویرهایی که از انسان و ویژگی های حیاتی اوست، باز هم از طبیعت و عناصر آن کمک می گیرند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸: ۳۱۷-۳۲۰)

رودکی

شعر رودکی شعری ساده، متعادل و زمینی است که بازتاب شرایط فرهنگی و سیاسی و اقتصادی روزگار سامانیان محسوب می شود. «در غالب اشعار رودکی روح طرب و شادی و عدم توجه به آنچه مایه اندوه و سستی است، مشهود است و این حالت، گذشته از اثر محیط زندگی و عصر حیات شاعر، نتیجه ی سعه عیش و فراغت بال وی بوده است.» (صفا، ۱۳۵۱، ج ۱: ۳۷۸) او در چهار محور عشق، مدح، پند و وصف به انسان پرداخته است. پند او، پند به خوشباشی و تساهل و زدودن غم و اندوه است:

شاد زی با سیاهچشمان شاد که جهان نیست جز فسانه و باد

(رودکی، دیوان، ۱۳۸۲: ۷۴)

همیشه شاد و ندا نستمی که غم چه بود؟ دلم نشاط و طرب را فراخ میدان بود

(همان: ۸۳)

انسان در اندیشه ی رودکی عوالم و لایه های مختلف ذهنی ندارد و در مازهای پیچ در پیچ اندیشه های عرفانی و فلسفی گرفتار نیامده؛ در ابیاتی بسیار واقع بینانه می گوید که چهار چیز مایه ی شادی و سرور است و اگر انسان اینها را دارا باشد، سزاوار است که هیچ گاه غم نخورد:

چهار چیز مر آزاده را ز غم بخرد تن درست و خوی نیک و نام نیک و خرد
هر آن که ایزدش این هر چهار روزی کرد سزد که شاد زید جاودان و غم نخورد (همان: ۷۵)

رودکی در توجه دادن و آگاهی بخشیدن به انسان، امور محسوس و تجربی را سبب راهنمایی و راهیابی انسان می داند: مار است این جهان و جهان جوی مارگیر از مارگیر مار برآرد شبی دمار (همان: ۱۲۵)

در به ز خودی نظر مکن غصه مخور در کم ز خودی نظر کن و شاه بزی (همان)

وی نه انسان را به به دنیا گریزی فرا می خواند و نه به دل بستگی ها و متعلقات دنیایی، پای بند می سازد. بلکه با زبانی ساده انسان را با دعوت به توکل، از اندوه مال دنیا باز می دارد:

بیا دل و جان را به خداوند سپاریم اندوه درم و غم دینار نداریم
جان را زپی دین و دیانت بفروشیم وین عمر فنا را به ره غزو گزاریم (همان: ۹۷)

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

فرخی سیستانی

فرخی گاهی به ندرت در ضمن مدایح به مضامینی همچون خردورزی و احسان و نیکوکاری انسان اشاره کرده است؛ در مدح امیر ابواحمد فرزند سلطان محمود می گوید:

چیزی ندهد جز به خرد ایزد دادار	مردم به خرد هر چه بخواهد به کف آرد
توحید خداوند خرد کرد پدیدار	فردوس بیابند به توحید خداوند
ای از خرد آنجا که خرد را نبود بار	چندین شرف و فضل و بزرگیست خرد را
زین روی بتو داد دل و گوش به یکبار	آگاه شده ست از خرد تو پدر تو

(فرخی سیستانی، ۱۳۷۸: ۱۲۰)

درباره ی شرف و بزرگی نفس انسان:

نه به دیدار و به دینار و به سود و به زیان (همان: ۳۰۴)	شرف و قیمت و قدر تو به فضل و هنرست
هست اندر ذات او این هردو معنی آشکار (همان: ۱۰۸)	مرد را اول بزرگی نفس باید پس نسب

سیمای انسان آرمانی در شاهنامه ی فردوسی

حکیم فرزانه ی طوس به بهترین وجه ممکن، انسان آرمانی را در شاهنامه به نمایش گذاشته است؛ انسان نمونه ی شاهنامه که در هیئت پهلوان یا پادشاه عادل ایرانی قد برافراشته، انسانی است با خصایص اصیلی چون ایمان به ایزد یگانه، جوانمردی، راستی، مردمداری، دلاور نستوه که پیروزی و شکست خود را تنها از رهگذر اراده ی مطلق خداوند می داند؛ فریدون، منوچهر، کاوه، رستم، سیاوش، کیخسرو، انوشیروان عادل و ... انسانهایی خداپرست، خردمند، دادگر، خیرخواه، فرهیخته، دوراندیش و سامان بخش امور هستند که هر کدام به نوعی از جلوه های کمال انسانی را عرضه می دارند و در هر زمان و مکانی که ظهور یابند همواره مورد توجه، و مطلوب همه ی انسان ها در سراسر جهان هستند.

حکیم فردوسی معیارهای متعددی را لازمه ی انسان نمونه و آرمانی برشمرده که برخی از آنها عبارتند از:

- خداپرستی و ستایش یزدان پاک

جلوه های خداپرستی به شیوا ترین و زیبا ترین شکل در جای جای داستان های شاهنامه تجلی یافته است؛ فردوسی بر این باور است که انسان پیوسته باید در کسب رضایت و خشنودی آفریدگار بکوشد تا بتواند با تکیه بر نیکی، راه کمال را به یاری ایزد یکتا بیابد. از این رو، در شاهنامه شاهان و پهلوانان و اشخاص نیک سیرت شاهنامه، به ویژه ایرانیان خدانشناس و دیندارند و پرستش پروردگار از محورهای اصلی زندگی آنان است. شاهان و پهلوانان همه پیروزی و شکست خود را از اراده ی خداوند می دانند و در آغاز و پایان کارهای سترگ و گاه نیز در میانه ی آن، زاری کنان بر خاک می افتند و زمانی به ستایش و نیایش پروردگار می پردازند؛ درباره ی کیخسرو می خوانیم:

وز آن جایگه شهریار زمین	بیامد بپیش جهان آفرین
ز لشکر بشد تا بجای نماز	ابا کردگار جهان گفت زار

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

ابر خاک چون مار پیچان ز کین
همی گفت کام و بلندی ز تست

همی خواند بر کردگار آفرین
بهر سختی یارمندی ز تست

(فردوسی، ۱۳۸۵، ج: ۵، ۳۱۲)

فردوسی، خداپرستی و دلجویی از زیردستان را لازمه ی جهانداری و پادشاهی می داند:

جهاندار چون گشت یزدان پرست
که درد دل مردم زیردست

نیازد بید درجهان نیز دست
نخواهد جهاندار یزدان پرست

و دهها نمونه ی دیگر را می توان براین مثالها افزود.

- خردمندی

فردوسی خرد را حد اعلای آفرینش می داند و از همین رو، در سراسر کتاب شاهنامه، خرد بزرگترین فضیلت آدمی شمرده می شود و تنها صفتی است که بلافاصله پس از حمد و ثنای خداوند مورد ستایش قرار می گیرد:

خرد بهتر از هر چه ایزد بداد
خرد رهنما و خرد دلگشای

ستایش خرد را به از راه داد
خرد دست گیرد به هر دو سرای

ازو شادمانی و زویت غمیست
خرد چشم جانست چون بنگری

خرد را و جان را که یارد ستود
و گر من ستایم که یارد شنود

و زویت فروزی و زویت کمیست
تو بی چشم شادان جهان نسپری

(همان، ج: ۱، ۱۳)

- دادگری

فردوسی در وهله اول خدا را تنها عادل و دادگر می داند و نظم طبیعت را مرهون دادگستری و عدالت خواهی او می شمارد. رعایت عدالت را رسیدن به هدف اصلی؛ یعنی، عدل خداوندی می داند:

اگر دادگر باشی و پاک دین
وگر بدنشان باشی و بدکنش

ز هر کس نیابی به جز آفرین
ز چرخ بلند آیدت سرزنش

جهاندار اگر دادگر باشدی
ز فرمان او کی گذر باشدی

(همان، ج: ۲، ۱۱۱)

اغلب شاهان نیکوکار شاهنامه قبل از همه به عدل و داد گرایش دارند؛ به بیان دیگر عدالت از ارکان اساسی نیکوکاری شاهان و فعالیت دولت داری آنان محسوب می شود. فردوسی شاهان عادل را با صمیمیت و محبت ستایش می کند و آن ها را برای دیگران

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
 «Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
 «միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

نمونه‌ی عبرت و پیروی می‌داند؛ از شاهانی که در شاهنامه‌ی فردوسی تصویر شده‌اند، عادل‌ترین آن‌ها انوشیروان است که فردوسی بارها از او به نیکی یاد کرده است:

ز شاهان که با تخت و افسر بدند	به گنج و به لشکر توانگر بدند
نبد دادگرت ز نوشین‌روان	که بادا همیشه روانش جوان
نه زو پرهنرتر به فرزانیگی	به تخت و بداد و به مردانگی

(همان، ج ۸: ۶۲)

انسان آرمانی فردوسی انسانی است نیکوکار، بردبار، فروتن، پاک سرشت، خردمند، رادمرد، درست اندیش، دوراندیش، بشردوست، هنردوست، دانش دوست، کهترنواز، دیندار و «انسانی برترمنش» که فردوسی در سراسر شاهنامه او را بهترین الگو برای انسانها در راه رسیدن به سعادت می‌داند:

به پاداش نیکی بیایی بهشت	بزرگ آنک او تخم نیکی بکشت
نگر تا نباشی به جز بردبار	که تندی نه خوب آید از شهریار
به نیکی گرای و به نیکی بکوش	بهر نیک و بد پند دانا نیوش
ز یزدان گشای و به یزدان گرای	چو خواهی که باشد تو را رهنمای
کسی کو فروتن‌تر و رادتر	دل دوستانش بدو شادتر
هر آنکس که باشد تو را زیردست	مفرمای در بی‌نوایی نشست

(همان: ۳۰۸-۳۱۲)

بیاری دل را به دانش که ارز به دانش بود تا توانی بورز (همان، ج ۷: ۱۹۰)

شخصیتی آرمانی با این اوصاف در شاهنامه نماد انسان کامل و مظهر پاکی و نیکی است که از دوره‌ی خردگرایی فردوسی باب شده و در متون عرفانی تحوّل‌ی عظیم پیدا می‌کند تا به انسان کامل برسد. فردوسی شخصیتی جهانی است که پیامی برای بشر و جهانیان دارد؛ به آینده و سعادت انسان می‌اندیشد و می‌کوشد که همه‌ی انسانها به مانند قهرمانان داستانهایش، مظهر پاک سرشتی شوند، و این راز جاودانگی فردوسی است که مایه‌ی فخر ایرانیان و ادبیات فارسی به شمار می‌رود.

با ورود مفاهیم عرفانی به ادبیات فارسی و گذر از مرحله‌ی برون‌گرایی به درون‌گرایی، ادبیات فارسی در شناخت انسان (خویشتن)، حقیقت وجود و ایجاد تعامل بین انسان و خدا تا رسیدن به تکامل و اوج واقعی در قامت نظم و نثر به حرکت می‌افتد. سنایی نخستین گامهای این تحول عظیم را برداشت و در پی آن شاعرانی چون نظامی، خاقانی، عطار، سعدی... در این مسیر پویا هستند و در نهایت در آثار مولانا، نتایج این تحول عظیم به اوج خو نائل می‌شود.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

انسان از منظر سنایی غزنوی

سنایی بخشی از اشعار خود را به بیان ابعاد وجودی انسان اختصاص داده است؛ او در «دیوان» انسان را موجودی سه بعدی معرفی می‌کند: حیوانی، شیطانی و روحانی:

در تو حیوانی و روحانی و شیطانی دراست در شمار هر که باشی آن شوی روز شمار

(سنایی ۱۳۳۶: ۱۸۵)

این ابعاد سه گانه در کلام متفکران دیگری چون خواجه نصیر طوسی و محمد غزالی هم آمده و به احتمال زیاد مبتنی است بر مراتب سه گانه ی آثاره، لوآمه و مطمئنه که در قرآن برای نفس لحاظ شده است. (فجر: ۲۷، یوسف: ۵۳) سنایی بار دیگر در حدیقه از ابعاد وجودی انسان سخن می گوید اما انسان را موجودی دو بعدی معرفی می‌نماید. وی معتقد است درون آدمی هم داعی خیر هست، که او را به صواب فرا می‌خواند، و هم داعی شر، که او را به بدی دعوت می‌کند:

داعی خیر و شر درون تواند هر دو در نیک و بد زبون تواند
در ره خلق خوب و سیرت زشت هفت دوزخ تویی وهشت بهشت

(سنایی، ۱۳۸۳: ۳۸۴)

وی همچنین سرشت انسان را مجموعه ی دل و گل معرفی می‌کند:

گل و دل دان سرشته آدم این برآن، آن براین شده درهم

(همان: ۳۸۲)

از نگاه سنایی خداوند انسان را در میان سایر موجودات مخصوص گردانیده و امانت خود را به عهد او نهاده و اوست که احسن مخلوقات یا احسن الصّور است:

زین همه خلق و زین همه نیاد بار تکلیف خویش بر تو نهاد
گشت زین کاینات جمله خصوص احسن الصور مر تو را مخصوص (همان: ۴۲۷)

سنایی همچون دیگر صوفیان انسان را مقصود اصلی آفرینش می داند، و تنها موجودی که دارای عقل و بینش است:

همه مقصود آفرینش اوست اهل تکلیف و بینش اوست (همان: ۳۷۵)

انسان خلیفه ی خدا بر زمین است و این عظمت و بزرگی را به واسطه ی روح به دست آورده است:

روح انسان عجایی است عظیم تو به قوت خلیفه ای به گوهر
آدم از روح یافت این تعظیم (همان: ۳۸۲) قوت خویش را به فعل آور

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

در اینکه انسان اشرف مخلوقات است و حتی فرشتگان مقرّبی چون جبرئیل سوخته ی عشق او شده اند اختلاف نظری بین عرفا وجود ندارد. آنچه جای تأمل دارد اینکه چه چیزی در وجود آدمی هست که یک چنین مقام والایی به انسان داده که او را مسجود فرشتگان کرده است. مطابق با آنچه در اشعار سنایی آمده، انسان این شأن والا را مدیون نفخه الهی است که در وجود جسمانی او به ودیعه نهاده اند؛ نفخه ای ربّانی که انسان را تا سطح خلیفه ی خدا بالا می برد.

«از جمله فوایدی که به زعم سنایی از جانب روح الهی متوجه وجود انسان می گردد طی طریق درسایه ی نور اوست؛ چه این روح از عالم غیب آمده و ذاتاً وجودی نورانی است، نوری که انوار مادی و این جهانی در برابر او ناچیزند. همچنین به اعتقاد وی، آبادانی و کمال انسان تنها در پناه همین روح الهی امکان پذیر است و علاوه بر اینها، تعظیم و تکریمی که باعث شد انسان مسجود فرشتگان شود از نتایج همین روح الهی است.» (زرقانی ۱۳۷۸: ۶۲)

انسان از منظر نظامی

شعر نظامی با وجود برخورداری از مایه های عقیدتی و دینی، عرفانی، اخلاقی، حکمی و زاهدانه و حتّی کلامی، می تواند بستر مناسبی برای چالش های انسان شناسی باشد؛ زیرا هویت های گوناگون ساخته ی ذهن شاعر که به دلیل فراوانی دانسته های وی کم هم نیستند، از یک سو در اثبات باورهای او و از سوی دیگر در شناساندن انسان آرمانی و جامعه ی ایده آل او مؤثّر واقع خواهند شد. (محرّمی و سروری، ۱۳۹۲: ۳۲)

انسان در اندیشه ی نظامی موجودی است ستایش برانگیز، با استعدادی بی پایان و هیأتی ستودنی که اگر در کردار، چونان فرشته عمل کند و در فهم و ادراک خدای گونه گردد، مایه ی زیبایی عالم و فخر موجودات خواهد شد. وی، هوش و ذکاوت و هنر انسان را عمیقاً باور دارد و آن را عمده ترین وجه تمایز آدمی با سایر موجودات می داند. برای همین از فضیلت علم سخن می گوید و از مقدمه ی مخزن الاسرار که در شأن و مرتبت آدمی سخن گفته، چنین به نظر می رسد. نظامی در پی آن است که اشرف مخلوق بودن انسان را به او متذکّر شود وی بر این باور است که وجود آدمی از دو یعنی: جسم و جان یا تن و روان تشکیل یافته است. از این رو تلاش کرده، تا «زمینی و خاکی و آسمانی و علوی» عنصر با کلام شاعرانه ی خود، پرده از چهره ی دوگانه ی آدمی بردارد. (همان: ۳۳)

نظامی در مقاله اول مخزن الاسرار برای بیان هویت فردی انسان، ضمن اشاره به آفرینش دوگانه ی او به مرتبه ی آدم و اهمیت مقام او در عالم، نظر می اندازد:

آن به خلافت علم آراسته	چون علم افتاده و برخاسته
علم آدم صفت پاک او	خمر طینه شرف خاک او
آن به گهر هم کدر و هم صفی	هم محک و هم زر و هم صیرفی
آن ز دو گهواره برانگیخته	مغز دو گوهر بهم آمیخته
زو شده مرغان فلک دانه چین	زان همه را آمده سر بر زمین
زان به دعاها بوجود آمده	جمله عالم به سجود آمده

(نظامی، ۱۳۸۱: ۴۱)

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
 «Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
 միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

در مقاله هفتم، خطاب به انسان، فضیلت او را بر دیگر مخلوقات یادآوری می کند:

ای به زمین بر چو فلک نازنین	نازکشت هم فلک و هم زمین
کار تو زانجا که خبر داشتی	برتر از آن شد که تو پنداشتی
رشته جان بر جگرت بسته‌اند	گوهر تن بر کمرت بسته‌اند
جانورانی که غلام تواند	مرغ علف خواره دام تواند

(همان: ۵۹)

در مقاله نوزدهم به مقام شامخ انسان اشاره می کند :

آدمیم رفع ملک میکنم	دعوی از آنسوی فلک میکنم
قیمتم از قامتم افزون ترست	دورم از این دایره بیرون ترست
چون فلکم بر سر گنجست پای	لاجرممم سخت بلندست جای

(همان: ۹۲)

از نظر حکیم گنجه بهترین راهنمای انسان برای رسیدن به قلّه ی کمال، عقل و خرد و اندیشه ی اوست که با مساعدت او با پای جان می توان به افلاک رفت:

بپای جان توانی شد بر افلاک	رها کن شهر بند خاک بر خاک
مگو بر بام گردون چون توان رفت	توان رفت ارز خود بیرون توان رفت
بپرس از عقل دوراندیش گستاخ	که چون شاید شدن بر بام این کاخ
چنان کز عقل فتوی میستانی	علم برکش بر این کاخ کیانی
خرد شیخ الشیوخ رای تو بس	ازو پرس آنچه می‌پرسی نه از کس

(همان: ۳۷۲)

حکیم نظامی خویشتن شناسی را لازمه ی سلوک انسان در راه کمال می داند:

خویشتن را چو خضر بازشناس	تا خوری آب زندگانی به قیاس
آب حیوان نه آب حیوانست	جان با عقل و عقل با جانست

(همان: ۵۱۸)

هر که خود را چنانکه بود شناخت	تا ابد سر به زندگی افراخت
فانی آن شد که نقش خویش نخواند	هر که این نقش خواند باقی ماند
چون تو خود را شناختی بدست	نگذری گرچه بگذری ز نخست
وانکسان کز وجود بی خبرند	زین درآیند وزان دگر گذرند

(همان: ۵۱۱)

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

به طور کلی در اندیشه ی نظامی، انسان در محور و مرکز قرار دارد و همه ی پدیدارها به سوی او و همگام با او و در ارتباط مستقیم با او در حرکت است، در واقع او از تمامی وقایع و امکانات بهره برده تا انسان را متوجه بعد روحانی اش ساخته و به کمال واقعی خویش برساند.

خاقانی شروانی

خاقانی نیز همچون سنایی و نظامی به مسأله ی خلیفه الهی انسان و دمیدن روح در پیکره ی آدم اشاره کرده است:

عزلت گزین که از سر عزلت شناختند آدم در خلافت و عیسی ره سما

(خاقانی، ۱۳۸۵ : ۱۸۵)

از مصطفی خلیفه و چون آدم صفی از خود خلیفه کرد خدای گروگرش

(همان: ۲۲۱)

شخص انسان را ز حق یک نور عقلانی عطاست روح ده دانست کاعضا برنتابد بیش از این

(همان: ۲۳۷)

انسان از دیدگاه سعدی

سعدی از ارکان ادب فارسی و ادبیات جهانی است که آثارش در نظم و نثر مورد تقدیر و تحسین قرار گرفته است. از مشخصه های آثار سعدی، «انسان» و مکتب وجود آدمی و آدمیت است؛ سعدی یک شخصیت بزرگ است که اندیشه ای عالی و متمایز دارد و از این رو می توان ادعا کرد که در تمام مفاهیم و مضامین به تربیت و ارشاد انسان، کسب فضیلت های بندگی و عبودیت الهی سخن گفته است. مضمون هایی در مدح و ستایش الهی، مدح و منقبت پیامبر اکرم (ص) و اولیا، مدح صاحبان معرفت و کرامت، اخلاق، انسانیت، نوع دوستی، تربیت، مبارزه با نفس، نصیحت، عدالت و جوانمردی در اشعار او مشاهده می شود ضمن این که عرفان و عشق هم از مضمون های اصلی غزل های سعدی است. از این نظر آثار سعدی به ادب تعلیمی ما مربوط است. «سعدی دنیای عصر را گمراه، بیمار و محتاج هدایت و تربیت یافت و پنداشت تا وقتی نیازش به رفع ظلم و تبعیض و توهّم باقی است، حکمت راستین جز به آنچه تعلق به تربیت و اخلاق دارد، نباید به کار دیگری بپردازد.» (زرّین کوب، ۱۳۷۹ : ۱۱۵) واقع بینی و اعتدال سعدی و ارزشی که برای کرامت انسان و جامعه قایل است، موجب می گردد اخلاق و دینداری سعدی در اجتماع و در برخورد با انسان ها معنا پیدا کند. از این روست که در آرمان شهر سعدی توجه به ارزش هایی چون خردورزی، احسان و نیکوکاری، مدارا، ایثار و گذشت، عشق، و احترام و رعایت حقوق دیگران بسیار اهمیت دارد. او شاعری آرمان گرا، واقع نگر، پر تجربه و دلسوز برای بشریت و به فکر حل دردها و مشکلات جوامع انسانی است و همچون فردوسی از یک تفکر جهانی برخوردار است. آرمان او رسیدن انسان به بالاترین درجه رشد و کمال است و رشد و کمال انسان را در رسیدن به جامعه ای ایده آل و آرمانی می داند.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

از دیدگاه سعدی نشان انسان بودن و آدمیت، تنها سیما و صورت ظاهری او نیست، بلکه ارزش انسان به سیرت زیبا و فضایل و خواص و آثار نیکی که در وجود او تعبیه شده است:

نه هر که چشم و گوش و دهان دارد آدمیست
بس دیو را که صورت فرزند آدم است
آن است آدمی که در او حسن سیرتی
یا لطف صورتی است، دگر حشو عالم است
(سعدی، ۱۳۹۰: ۳۳۶)

سعدی انسان نمونه را کسی می داند که با کسب فضایل و ملکات معنوی به مرحله ی آدمیت رسیده باشد و در چنین مرتبه ایست که مقام و منزلت او را از فرشتگان هم بالاتر است:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت
نه همین لباس زیباست نشان آدمیت
اگر آدمی به چشم است و دهان و گوش و بینی
چه میان نقش دیوار و میان آدمیت
مگر آدمی نبودی که اسیر دیو ماندی
که فرشته ره ندارد به مقام آدمیت
رسد آدمی به جایی که به جز خدا نیبند
بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت

(همان: ۶۹۸)

وی همچون شاعران پیشین آفرینش انسان را از آب و گل می داند که روح در وی دمیده شده است:
این لطف بین که با گل آدم سرشته اند
وین روح بین که در تن آدمی دمیده اند

(همان: ۳۹۳)

سعدی برای تعریف انسان، اخلاق و خصوصیات اخلاقی را ملاک می داند. وی نیکوکاری، نام نیک، احسان، عدم دل بستگی به دنیا، دستگیری از ستم دیدگان و بیچارگان، شرافت و انسانیت و داشتن غم و رنج دیگر انسان ها را اساس می داند. تمامی آثار شیخ اجل، مشحون از ن کات اخلاقی و تربیتی در جهت ارتقاء انسان به کمال می باشد، از این رو انتخاب شاخص و مصداق برای این امر بسیار دشوار است؛ براین اساس به ذکر شواهدی چند بسنده می شود:

۱- عقل و هوش و شناخت دل که ممیز انسان و حیوان است:

گر عاقل و هشیاری و زدل خبر داری
تا آدمیت خوانند و نه کم از انعامی

(سعدی، ۱۳۹۰: ۷۱۵)

۲- فضل و احسان و دلجویی از بینوایان:

آدمیت رحم بر بیچارگان آوردنست
کآدمی را تن بلرزد چو ببیند ریش را
(همان: ۶۹۳)

چو انسان را نباشد فضل و احسان
چه فرقی از آدمی تا نقش دیوار
(همان: ۹۹)

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

دانی چه بود کمال انسان با دشمن و دوست لطف و احسان (همان: ۷۶۲)

۳ - پرهیز از مردم آزاری و درنده خویی:

آدمی که صفت درنده خویی و مردم آزاری داشته باشد نه تنها شایسته ی مقام آدمیت نیست که از حیوانات هم پست تر است.

اگر این درنده خویی ز طبیعتت بمیرد همه عمر زنده باشی به روان آدمیت

(همان: ۶۹۸)

۴ - علم و ادب و جوانمردی:

علم آدمیت است و جوانمردی و ادب ور نی ددی به صورت انسان مصوری

(همان: ۶۶۶)

۵ - عشق ؛ یکی از معیارهای مهم آدمیت است :

عشقی که از نگاه سعدی مطرح می شود دلیل خلقت و اساس هستی است. این عشق، دیده ی ما را سیر، و جان ما را سیراب می کند و چشم زیبایی بین به ما می دهد و باعث می شود که همه ی هستی را دوست داشته باشیم؛

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست

عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

(همان: ۶۹۶)

چه وجود نقش دیوار و چه آدمی که با او سخنی ز عشق گویند و در او اثر نباشد

(همان: ۳۸۳)

جایگاه انسان در مکتب سعدی به اندازه ای است که همه چیز در جهان خلقت در خدمت اوست و ارزش انسانها به اندازه ی خدمتی است که به دیگران می کنند. انسان گرایی و تأکید بر محوریت انسان و اهمیت اعتقادات مذهبی و دینی در زندگی، مهمترین ویژگی های عملگرایی سعدی هستند. در آثار سعدی انسان کامل کسی است که به مرحله ی آدمیت رسیده باشد و این انسان آرمانی، انسانی اجتماعی است که علاوه بر کسب فضایل و ملکات معنوی از درد اجتماع هم متأثر می شود و خدمت به خلق را نوعی عبادت می داند و اگر از درد هم نوع بی خبر باشد نمی توان نام آدمی را بر او نهاد.

سیمای انسان در گلستان تصویر انسانی است که باتمام واقعیتهايش در نظر گرفته شده و سعدی در آنجا واقع بینانه تر انسان و برنامه های عملی برای رسیدن به کمال را به تصویر می کشد، اما در بوستان انسانی آرمانی را با دنیای بهشت گونه اش ترسیم می کند. اساس باورهای اخلاقی سعدی نیکوکاری است که به دلیل جامعیت این مفهوم همه ی مباحث اخلاقی دیگر را تحت شعاع خود قرار میدهد.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
«միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

عطار نیشابوری

در آثار فرید الدین عطار که شعرش به تازیانہ ی سلوک معروف است، چهره ی ابر مرد عرفان اسلامی در گذرگاه هفت وادی منطق الطیر او روشن تر ترسیم شده است؛ این منظومه که در واقع یک نوع حماسه ی عرفانی است، شامل ذکر مخاطر و مهالک روح سالک است که به رسم متداول قدما از آن به «طیر» تعبیر شده است. (رزمجو، ۱۳۶۵: ۲۵۶)

عطار در آثار خود سیمای جذابی از یک انسان آرمان طلب و حقیقت جو را نشان می دهد که در پی یافتن حقیقت، تمام مراحل هولناک راه سلوک را طی می کند و مخاطرات را همچون شهید در کام دل می ریزد، و تا آن سوی قاف ازلیت اوج گرفته، پروانه وار هستی خود را در آتش عشق سیمرغ حقیقت محو می کند. به نظر او در هر هزار سالی، یک مرد راه بین در راه طریقت پدید می آید. یکی از عوامل جذابیت زبان عطار خصوصاً در زیباترین اثر هنری او «منطق الطیر»، رمزگرایی در شعر اوست. او در سه اثر درخشان خود، «الهی نامه»، «منطق الطیر» و «مصیبت نامه» پیوندی ناگسستی بین سه حلقه ی شریعت، طریقت و حقیقت برقرار می کند. در الهی نامه رهرو با آنچه که او را شایسته ی مقام خلیفه الهی می کند، آشنا می گردد. او باید مراحل مبارزه با نفس، غلبه بر شیطان و رسیدن به کمال عقلی و علمی را طی کند تا به مقام فقر که افتخار نبی اکرم (ص) است، نایل شود. (حجازی، ۱۳۷۸: ۳۶)

در منطق الطیر پیر و با هفت وادی عرفانی طلب، عشق، معرفت، استغناء، توحید، فقر و فنا آشنا می گردد. عطار تابلوی طریقت را در منطق الطیر با قلم موی کلام خود به زیباترین وجه ترسیم کرده است. به نظر عطار «انسان کامل» یا سالک موفق این هفت وادی که شایسته ی تسخیر قلل فضیلت و دست یابی به سیمرغ در قاف کمال می باشد، دارای خصوصیات روحی و عاطفی ذیل است:

خود چو عشق آمد، نه این نه آن بود	نیک و بد در راه او یکسان بود
وز وصال دو می نازد به نقد	هرچه دارد پاک در بازد به نقد
لیک او را نقد هم اینجا بود	دیگران را وعده با فردا بود
چون فرو رفتند در میدان درد	سالکان پخته و مردان مرد
لاجرم دیگر قدم را کس نبود	گم شدن اول قدم زین پس چه بود
سایه در خورشید گم شد و السلام	محو او گشتند آخر بر دوام

(ن.ک. رزمجو، ۱۳۶۵: ۲۵۷)

در مصیبت نامه ی شیخ عطار سالکِ فکرت پس از تحمل مشقات در راه شناسایی انسان کامل، پس از غربال کردن خاک سراسر عالم در پرویزن تشخیص و ارزیابی عارفانه، سرانجام به «پیر» که مظهری از کمال و بلوغ شخصیت آدمی است، دست می یابد؛ شاعر این چنین به توصیف وی می پردازد:

ترک عقل و شبهه و اشکال کرد	خاک عالم جمله در غربال کرد
در بسی بر تخته و دینار ریخت	خاک عالم صد هزاران بار بیخت

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
«միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

آخر از حق دستگیری آمدش	بر سر غربال «پیر»ی آمدش
آفتابی از دو عالم تافته	عالمی اختر از او ره یافته
محو گشته فانی مطلق شده	در جهان عشق مستغرق شده
همچو خورشید جهان او غرق نور	و او خود از سرگشتگی خود نفور

(همان)

انسان کامل از نظر عطار موجود مقدسی است که:

هر دو گیتی از وجودش نام یافت	عرش نیز از نام او آرام یافت
همچو شبنم آمدند از بحر جود	هر دو عالم از طفیلش در وجود
نور او مقصود موجودات بود	اصل موجودات و معدومات بود

و مقصود او از آفرینش:

بهر خویش آن پاک جان را آفرید	بهر او خلق جهان را آفرید
آفرینش را جزا و مقصود نیست	پاک دامن تر از او موجود نیست

(عطار نیشابوری، ۱۳۵۳: ۱۷ و ۱۸)

انسان کامل از منظر مولانا (با تکیه بر مثنوی)

جلال الدین مولوی که در مرتفع ترین قلّه از جهان بینی عرفان اسلامی قرار دارد و هنوز بانگ نای او پس از گذشت قرن‌ها روح صاحب‌دلان را به اهتزاز می‌آورد، معتقد است که انسان می‌تواند با شناخت فرهنگ اسلامی و پیروی عملی از آن، خویشتن را بسازد و در گذرگاه «آنا لله و آنا الیه راجعون»، شخصیت خود را به ثمر رساند. (ن.ک. رزمجو، ۱۳۶۵: ۲۵۸-۲۵۹)

مولانا انسان را «علت غایی» و «غایت قصوای خلقت و مقصود اصلی آفرینش و «بذر» و «میوه» ی درخت هستی و «نخستین فطرت» و «پسین شمار» و «اول فکر» و «آخر عمل» می‌داند:

اول فکر آخر آمد در عمل	بنیت عالم چنان دان در ازل
میوه‌ها در فکر دل اول بود	در عمل ظاهر به آخر می‌شود
چون عمل کردی شجر بنشاندی	اندر آخر حرف اول خواندی
گرچه شاخ و برگ بیخش اول است	آنهمه از بهر میوه مرسل است
پس سری که مغز آن افلاک بود	اندر آخر خواجه لولاک بود

(مولوی، ۱۳۸۴، دفتر دوم، ص ۴۹)

و در دفتر چهارم مثنوی می‌فرماید:

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
 «Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
 «միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

از نفوس پاک اختروش مدد	سوی اخترهای گردون می‌رسد
ظاهر آن اختر آن قوام ما	باطن آن گشته قوام سما
پس به صورت عالم اصغر تویی	پس به معنی عالم اکبر تویی
ظاهرا آن شاخ اصل میوه است	باطنا بهر ثمر شد شاخ هست

(همان، دفتر ۴، ص ۳۲)

انسان کامل مولوی کسی است که به سبب دارا بودن ارزشهای متعالی به آزادی و جاودانگی نایل می‌آید.

او به نسبت با صفات حق فناست	در حقیقت در فنا او را بقاست
جمله‌ی ارواح در تدبیر اوست	جمله اشباح هم در تیر اوست
آنک او مغلوب اندر لطف ماست	نیست مضطر بلکه مختار ولاست

(همان دفتر، ص ۲۷)

انسان آرمانی مولوی شخصیتی چندان تکامل یافته دارد که می‌تواند زمام عالم را به دست گیرد. او کسی است که در هر لحظه از حیات خویش معراج را تجربه می‌کند:

هر دمی او را یکی معراج خاص	بر سر تاجش نهد صد تاج خاص
صورتش بر خاک و جان بر لا مکان	لا مکانی فوق فهم سالکان

(همان، دفتر ۱: ص ۱۶۷)

خاک بی مقدار در دست انسان کامل مولانا به زر تبدیل می‌شود:

کاملی گر خاک گیرد زر شود	ناقص از زر برد خاکستر شود
--------------------------	---------------------------

(همان: ص ۱۶۸)

در جهان بینی عرفانی اسلامی، انسان به واسطه ی دارا بودن گوهر دل و جان که گنجینه ی اسرار حق و تجلیگاه انوار الاهی است، و به حکم آیات «ولقد کرّمنا بنی آدم» (الاسرا: ۷۰)، «آنی جاعلٌ فی الارض خلیفه» (بقره: ۳۰) و «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره: ۳۱)، مظهر جمیع صفات و اسماء خداوندی شده و به تکریم و جانشین باری تعالی و شایسته ی پذیرش بار امانت و صفت احسن التقویم گردیده و در عرصه ی کائنات تنها موجودی است که :

تاج کرّمنا بر فرق سرش	طوق اعطینا آویز برش
جوهر است انسان و چرخ او را عرض	جمله فرع و پایه اند و او غرض
بحر علمی درنمی، پنهان شده	در سه گز تن، عالمی پنهان شده

(مولوی، ۱۳۸۴، دفتر ۵، ص ۱۷۲)

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

قالبه ی نویسندهگان و شاعران عارف ایرانی، نبی اکرم(ص) را به مصداق نمونه ی کامل و تمام عیار مکارم اخلاقی و واجد جمیع صفات انسانی دانسته و از شخص پیامبر به عنوان قطب اکبر و غوث اعظم و «سید کائنات و معجز موجودات و رحمت عالمیان و عالیترین انسان کامل یا انسان اکمل یاد کرده اند .

ختمهایی کانیا بگذاشتند	آن به دین احمدی برداشتند
قفلهای ناگشوده مانده بود	از دم انا فتحنا بر گشود
بهر این خاتم شده است او که به جود	مثل او نی بود نی خواهند بود
هست اشارات محمد المراد	گل گشاد اندر گشاد اندر گشاد
صد هزاران آفرین بر جان او	بر قدوم و دور فرزندان او

(همان، دفتر ۶: ص ۱۵-۱۶)

مولانا را عقیده براین است که یافتن انسان کامل بسیار دشوار است. او این نظر را در غزلی بیان داشته که از معروفترین غزلهای فارسی است:

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر	کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
گفتم که: «یافت می نشود جسته ایم ما»	گفت: «آن که یافت می نشود آنم آرزوست»

نتیجه

مطالعه ی آثار و متون ادبیات فارسی یکی از بهترین و مهمترین روشهای «انسان شناسی» و «خودشناسی» به شمار می رود. بحث انسانشناسی در ادبیات حول دو محور اصلی در گردش است: یکی شناخت و معرفت حقیقت انسان، و دیگری ویژگی ها و معیارهایی که انسان رای برای نیل به کمال معنوی هدایت می سازد. کوشش شاعران و اندیشمندان بزرگ ایرانی برای پاسداری از کرامت و ارزش والای انسان و هدایت او در سایه ی تعالیم اسلامی قابل تقدیر و تحسین است. بی شک ادبیات ایران مشحون از اندیشه های ناب بشری است و بن مایه ی شعر و ادب پارسی کم و بیش مبتنی بر پند و اندرز و پرورش روحی مخاطبان است. شاعران و عارفان پارسی گوی روح و فکر والای یک انسان کامل را با زبان شعر به بهترین شکل ممکن تعالی می بخشند. آگاهی بر رمز و راز نهفته در نهاد انسان، برگشت به اصالت خود، پژوهش در دریای بی کران درونی انسان و حرکت در مسیر به این دنیایی ناگشوده و پر از موانع از کشفیات و نواندیشی است که می توان آنرا در لابلای پیام ها و اهداف ایشان درک کرد، خصوصاً در انگیزه ها و گرایش های عرفانی و شخصیت های بزرگ ادبیات می توان بدان دست یافت؛ آنها این خود شناسی را در کلام های نغز و شیوای خود به گونه ای زیبا بیان نموده اند.

بزرگان ادبیات فارسی، زندگی ناب و حقیقی را به ما می آموزند؛ حکیم فردوسی، خردمندی انسان را یادآوری می کند. خدایی که خرد را برای انسان آفریده است گویی که همه چیز را برایش آفریده، شخصیت آرمانی در شاهنامه نماد انسان کامل و مظهر پاکی و نیکی است که از دوره ی خردگرایی فردوسی باب شده و در متون عرفانی تحوّل عظیم پیدا می کند تا به انسان کامل

کنفرانس بین‌المللی شرق‌شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

برسد. نمادهای حماسه به دلیل رازآمیز بودن، قابلیت تأویلات عرفانی را داشته و در نزد بسیاری از نویسندگان و شاعرانی چون سنایی و عطار و مولانا و... جامه‌ی رموز عرفانی بر تن کرده‌اند؛ اگر در آثار حماسی «پهلوان» انسان آرمانی است، در آثار عرفانی، «ولی» یا «مراد» انسان کامل است، در آثار سعدی انسان کامل کسی است که به مرحله‌ی آدمیت رسیده باشد و این انسان آرمانی، انسانی اجتماعی است که علاوه بر کسب فضایل و ملکات معنوی از درد اجتماع هم متأثر می‌شود و خدمت به خلق را نوعی عبادت می‌داند و اگر از درد هم‌نوع بی‌خبر باشد نمی‌توان نام آدمی را بر او نهاد. شاعران و عارفان ایرانی از دیرباز به تبعیت از دین اسلام و تعالیم قرآن، سعی کرده‌اند ضمن شناخت برترین انسان، ویژگی‌های والای این الگوی آرمانی و تکامل یافته را برای تأثر، بهره‌مندی و موفقیت دیگران بازگو نمایند.

حماسه‌ی ملی ایران، آثار سعدی و متون عرفانی فارسی، دارای مضامین و نمادهای همسان، مشترکات اعتقادی و فکری چون خداپرستی، نفس‌کشی، اعتقاد به رستاخیز، ارزشمندی جوانمردی و شباهت‌های ناشی از اشتراک گوهر انسانی هستند که مخصوصاً در عرفان به صورت مکرر دیده می‌شود؛ همه‌ی آنها به لحاظ دینی و به تبعیت از قرآن، از اندیشه‌های پوچ‌گرایی به دور هستند و در جهت برون‌رفت انسان از آلام و گرفتاری‌ها و رسیدن به نور سعادت، به نیروی ماورای آدمی معتقدند؛ آنها سعی دارند با الگوهای والای آرمانی، جایگاه انسان را بایسته و شایسته تبیین نمایند.

اگرچه در دوره‌های آغازین شعر فارسی بیشتر به ابعاد ظاهری و حسی انسان توجه شده و شعر جنبه‌ی آفاقی دارد، با این حال به خردورزی، خداپرستی و احسان و نیکوکاری انسان تأکید شده است، اما رفته‌رفته با ورد مفاهیم عرفانی و فلسفی به ادبیات و تأثیر عقاید صوفیان و شاعران عارف مشرب بر یکدیگر، مقام انسان در کائنات در حال صعود پیش می‌رود و در تعریف انسان و شناخت وی تحولاتی ایجاد می‌شود که با تعاریف پیشین بسیار متفاوت است؛ در آثار حکیمان و عارفان شهیری چون سنائی، نظامی، عطار و مولوی و... هدف نهایی از طرح و تحلیل کلیه‌ی مباحث اخلاقی - عرفانی و ارائه‌ی داستانه‌ها و تمثیلات شیرین چیزی جز تبیین و توجیه صفات ارزشمند انسان کامل و رهنمونی به مکتب روحانی او منظور نظر نیست. این انسان که در نظر عارف هدف غایی تربیت به شمار می‌رود، انسان جان‌نشین خدا بر آفریده‌های حق تعالی است که به صورت الهی آفریده شده است و در سرزمین حق تصرف می‌کند و خلعت‌های اسما و صفات خداوندی را در بر کرده است، و به گفته‌ی استاد شهید مطهری: «می‌تواند کامل باشد، کاملتر باشد و از آن هم کاملتر باشد، تا به آن حدّ نهایی نهایی که انسانی از آن بالاتر وجود ندارد برسد، که او را انسان کامل کامل که حدّ‌اعلای انسان است می‌نامیم.» (مطهری، ۱۳۷۳: ۳۴۲)

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

فهرست منابع:

- قرآن مجید.
اعوانی، غلامرضا؛ دادبه، اصغر؛ بادنچ، حسن (۱۳۸۹). «انسان کامل به روایت ابن عربی»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، پیاپی ۳۴، صص ۱۶۰-۱۳۵.
- بهشتی، احمد (۱۳۶۱). انسان در قرآن، قم: کانون نشر طریق القدس.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). انسان در اسلام، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
حجازی، بهجت السادات (۱۳۷۸). «سیمای انسان کامل در آثار عطار»، مجله کیهان فرهنگی، اسفند، شماره ۱۶۱، ۳۵ تا ۳۷
حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۷). انسان در عرف عرفان، ج ۲، تهران: سروش.
حسینی، سید حسین (۱۳۷۸). «جانشین خدای مبینی انسان شناختی قرآن کریم»، مجله معرفت «، شماره ۳۲، تا ۷۴.
حلبی، علی اصغر (۱۳۷۴). انسان در اسلام و در مکاتب دینی، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
خاقانی، بدیل بن علی (۱۳۸۵). دیوان خاقانی شروانی، تصحیح و مقدمه و تعلیقات دکتر سید ضیاءالدین سجادی، چاپ هشتم، تهران: زوار.
خسروپناه، عبدالحسین و میرزایی، رضا (۱۳۸۹). «چیستی انسان شناسی»، مجله انسان پژوهی دینی، دوره ۷، شماره ۲۴، پاییز و زمستان، ۳۵-۶۳
رجبی، محمود (۱۳۷۹). انسان شناسی، ویرایش حسین دهنوی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
رزمجو، حسین (۳۷۵). انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
_____ (۱۳۶۵). «انسان آرمانی یا کامل در ادبیات عرفانی»، ادبیات فارسی و زبانها جستارهای ادبی، شماره ۷، ۲۳۹-۲۷۰.
رفیع فر، جلال الدین (۱۳۸۳). «به دنبال تعریفی از انسان و کاربرد مطالعات انسان شناسی»، نامه انسان شناسی، ش ۶.
رضائی، مرضیه (۱۳۸۵). «کرامت انسان و انسان کامل در عرفان»، مجله آینه پژوهش، بهمن و اسفند، شماره ۱۰۲، ۵۵-۶۷.
رودکی، سمرقندی (۱۳۸۲). دیوان رودکی، به کوشش سعید نفیسی، چاپ سوم، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
زرقانی، مهدی (۱۳۷۸). افق های شعر و اندیشه سنایی، تهران: روزگار.
زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۲). نردبان شکسته، تهران: سخن، چاپ اول.
_____ (۱۳۷۹). حدیث خوش سعدی. چاپ اول. تهران: سخن
سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۹۰). کلیات سعدی، نسخه تصحیح شده محمدعلی فروغی، تهران: بهزاد.
سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدودبن آدم (۱۳۳۶). دیوان سنایی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
_____ (۱۳۸۳). حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
شانظری، جعفر (۱۳۸۲) «حقیقت انسان تعریف ناپذیر است»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان) شماره ۳۲ و ۳۳، صص ۱۴۳ تا ۱۵۸.
شجاری، مرتضی (۱۳۸۳). «ماهیت انسان از دیدگاه ملاصدرا و ابن عربی»، نشریه ادبیات و علوم انسانی تبریز، ش ۱۹۱، صص ۷۵-۹۰.
شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۸). صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.
صفا، ذبیح الله (۱۳۵۱). تاریخ ادبیات ایران، انتشارات ابن سینا، تهران.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասադի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

- عطار، محمد بن ابراهيم (۱۳۵۳). منطق الطير، با تصحيح و مقدمه و تعليقات دكتور محمد جواد مشكور، چاپ چهارم، تهران: از انتشارات كتابفروشي تهران.
- فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوغ (۱۳۷۸). دیوان فرخی سیستانی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ پنجم، تهران: زوار.
- محرمی، رامین؛ سروری، اعظم (۱۳۹۲). «انسان در پنج گنج نظامی گنجوی»، مجله متن شناسی ادب فارسی، بهار، شماره ۱۷، ۲۹ تا ۴۴ (۴۴)
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). انسان کامل، چاپ یازدهم تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری خواه، ذبیح (۱۳۷۷). انسان کامل در عرفان و نهج البلاغه، قم: دار النشر اسلام.
- ملک اف، علاءالدین (۱۳۹۱). «انسان کامل به روایت ابن عربی»، مجله هفت آسمان، بهار، شماره ۵۳، ۵ - ۲۸.
- مولوی، جلال الدین محمدبلخی (۱۳۸۴). مثنوی مولوی، مقدمه، تصحیح و تعليقات: محمد استعلامی، چاپ هفتم، تهران: سخن.
- نسفی، عزیزالدین بن محمد (۱۳۸۸). الانسان الكامل، تصحیح و مقدمه ماریژان موله، پیشگفتار هانری کربن، ترجمه مقدمه از دکتر سید ضیاءالدین دهشیری، تهران: طهوری
- نصری، عبدالله (۱۳۶۱). مبانی انسان شناسی در قرآن، تهران: بنیاد انتقال به تعلیم و تربیت اسلامی.
- نصیری، محمد (۱۳۸۴). «انسان کامل در عرفان اسلامی»، مجله اندیشه نوین دینی، تابستان، شماره ۱، ۶۷ - ۹۲.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۱). کلیات نظامی گنجوی، مطابق با نسخه تصحیح شده وحید دستگردی، تهران: پیمان.
- واعظی، احمد (۱۳۷۷). انسان از دیدگاه اسلام، تهران: سمت.

Archive of SID

SID



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه‌های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم‌های
آموزشی

سامانه ویراستاری (ویرایش متون فارسی، انگلیسی، عربی)

کارگاه‌ها و فیلم‌های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



دوره مقدماتی گوگل ادز

دوره مقدماتی گوگل ادز



جذب پروژه از طریق لینکدین

جذب پروژه از طریق لینکدین



آموزش نرم‌افزار پاورپوینت (مقدمانی)

آموزش نرم‌افزار پاورپوینت



آموزش طراحی بسته بندی

آموزش طراحی بسته بندی